

شمس

حضرت بهاء الله

اصلى فارسى



من آثار حضرت بهاء الله - مائده آسمانی، جلد 8 صفحه 104

مطلوب يقصد و پازدهم - شمس

قوله تعالى : " و الذى اراد ان يعرف سر ما ظهر من ظهور قبلى في الشمس و قيامه تلقاها طوى لمن سئل ذلك و اراد ان يعرف ما ستر عن افءة العالمين قل تالله انه ما اراد من الشمس الا جمالى الذى كان مشرقا تحت السحاب بانوار عظيم فلما جعلنا الشمس من اعظم آياتنا بين الارض و السماء لذا كان واقفا تلقاها خضعا لنفسى الممتنع العزيز المنبع اذ قام تلقاها في اول يومه تكلم بكلمة ما كان في علم ريك اعلى منها و اعظم عنها لو انت من العارفين فلما ارتد البصر اليها قال و قوله الحق انا البهاء من عند الله على طلعتك يا ايتها الشمس الطالعة فاشهدى على ما قد يشهد الله على نفسه انه لا اله الا هو العزيز المحبوب ليوقن الكل بظهور الشمس في سر السر و يشهدن بما شهد الله على انه لا اله الا هو العزيز المحبوب

پارسی بشنو چون در آن ایام شمس مشرق بوده و لكن خلف سحاب اتماما مليقات الله لذا آن ساذج وجود تقاء شمس قائم چه که اعظم آیت شمس حقیقی بوده لیظهر خصوصه لله الفرد الواحد الاحد و باین اسم اعظم ناطق شدند تا کل دریوم ظهور بانچه شهادت داده شهادت دهنده و این کلمه از اصول اوامر الهیه است که در بیان نازل شده و بر هر نفسی الیوم لازم در هر بلدی که هست دریوم جمعه متوجهها الى شطر الله باین کلمات ناطق شود و محبوب عالمین را ذکر نماید نزد اهل بصر مشهود است که شمس بنفسها آیتی از آیات پروردگار بوده و مع ذلک ساذج قدی که جمیع ممکنات بقول او خلق شده چگونه جائز که در نزد آیتی از آیات باین قسم خصوص و خشوع فرماید بلکه حبا ملن وعد فی الالواح بوده و خواهد بود چنانچه این امور در ظاهر هم واقع مثلث نفسی محبوبی داشته نامه ئی از آن محبوب باو میرسد او کمال خصوص و خشوع بآن نامه مینماید بشأنی که بر دیده و سر



میگزارد و استشمام مینماید بر اولوالابصار محقق است که این امور ظاهره مخصوص خود مکتوب بنفسه لنفسه نبوده و نیست بلکه بنسبته الی محبوبه بوده و خواهد بود حال غفلت اهل بیان را ملاحظه کن که چه مقدار غافل شده‌اند نفسی را که بآیه ای از آیاتش محبوب عالمیان باین قسم و باین نحو اظهار حب فرموده از او غافل شده‌اند و بنفسیکه لایق ذکر نیست متبع فاف هم و لوفائهم " انتهی